

• دریافت ۹۴/۷/۱۷

• تأیید ۹۵/۶/۶

کاوشی در پیدایش و پژواک شعر انقلاب یمن (ما بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۰ میلادی) (مطالعه‌ی موردی شعر محمد عبده غانم)

مصطفی مهدوی آرا*

چکیده

انقلاب سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۲ میلادی و حضور بیش از یک سده‌ای استعمار انگلیس در خلیج عدن، تحولات عمیقی در امور سیاسی و اجتماعی یمن ایجاد کرد که بازتاب آن را می‌توان در شعر و ادبیات این کشور جست. شعر پایداری یمن پس از این حوادث تا اعلام حکومت جمهوری و خروج استعمار و اتحاد یمن شمالی و جنوبی از نظر مضمون و محتوی دگرگونی‌های زیادی را پشت سر گذاشت. این پژوهش در صدد است به روش وصفی-تحلیلی به بررسی عوامل شکل‌گیری شعر انقلاب یمن بپردازد و دیوان محمد عبده غانم را به عنوان نمونه‌ی موردی از این نوع شعر مورد مطالعه قرار دهد. آنچه ضرورت انجام این تحقیق را تبیین می‌سازد، دور ماندن این مقوله از نگاه پژوهشگران و عدم توجه شایسته محققان محترم به این موضوع است و شاید شرایط کنونی حاکم بر کشور یمن ضرورت انجام جستار حاضر را نمایان‌تر سازد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد: شعر پایداری یمن متأثر از افکار و اندیشه‌های اندیشمندانی همچون سید جمال الدین اسدآبادی، محمد عبده، اقبال لاهوری در نتیجه‌ی مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی و موضع‌گیری در قبال مسئله‌ی اشغال فلسطین شکل گرفته است و رهیافت آن را می‌توان انقلاب سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۲ م. تشکیل حکومت جمهوری یمن، خروج استعمار و اتحاد یمن شمالی و جنوبی برشمرد.

واژگان کلیدی:

یمن، شعر انقلاب، عوامل شکل‌گیری، محمد عبده غانم.

مقدمه

ادبیات آینه‌ی تمام‌نمای جامعه انسانی است. به این معنی که بازتاب حوادث و رخدادهایی را که در بستر جامعه شکل می‌گیرد می‌توان در ادبیات مربوط به آن سرزمین جست. تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گاه باعث شکل‌گیری یک جریان ادبی شده و درون مایه‌ی هنر و ادبیات را تشکیل می‌دهد و در این میان، دگرگونی‌های سیاسی، بیش از هر تحولی می‌تواند زمینه‌ساز آفرینش یک جریان ادبی شده و فضای قابل ملاحظه‌ای از ادبیات را به خود اختصاص دهد. در مقابل به «تصویرگری این تحولات یا تعبیر از آن در آینه‌ی ادبیات، ادبیات مقاومت اطلاق می‌شود. خواه انقلاب سیاسی باشد، خواه دینی یا فکری یا غیر آن، و خواه این تعبیر مقدمه و مایه‌ی انگیزش انقلاب باشد یا تحکیم و تقویت آن یا تلاش برای تحقق اهداف آن یا راسخ ساختن و محبوب نمودن آن در دل‌های مردم یا صرفاً بیان آتشی که از آن بر جان شاعر یا نویسنده افتاده است. (رجائی، ۱۳۸۲: ۸۵)

با این توصیف باید گفت رابطه بین تحولات سیاسی و ادبیات رابطه‌ای دو سویه است. همان‌گونه که تحولات سیاسی می‌تواند یک جریان ادبی را به وجود آورد، ادبیات نیز می‌تواند رسالت پیش‌برد انقلاب، تقویت و تحقق اهداف آن را بر عهده گیرد. ادبیات یمن از میانه‌های نیمه‌ی نخست قرن ۲۰ متأثر از جریان‌های سیاسی دچار تغییر و تحول فراوانی شد و وسیله‌ی برای دفاع از آزادی انسان و مبارزه با استبداد و استعمار قرار گرفت. در دوره‌ی مذکور «ادبیات عنصر اصلی برای تحولات سیاسی و اجتماعی یمن بود، ادبیات در یمن مسئولیت دفاع از انسان را بر عهده داشت و راه او را برای رسیدن به آزادی و دگرگونی فراگیر هموار می‌کرد. در آنجا نه حزبی بود و نه انجمنی، فکر انقلابی و تحول‌ساز پدیده‌ای ناآشنا بود و صرفاً در صفحات برخی کتاب‌های ممنوعه و قصاید شاعران و سخنان مجاهدان می‌درخشید». (المقالح، ۱۹۸۴ الف: ۲۲)

در تحقیق حاضر تلاش شده است تا عوامل شکل‌گیری شعر انقلاب یمن مورد واکاوی قرار بگیرد و رویکرد محمد عبده غانم به عنوان نمونه مورد پژوهانه در برابر این عوامل و حوادث بررسی گردد.

پرسش بنیادین تحقیق: پرسش‌های بنیادینی که در این تحقیق در صدد پاسخ‌گویی بدان‌ها هستیم شامل دو بخش می‌شود:

الف) چه عواملی باعث شکل‌گیری شعر مقاومت در یمن گردیده است؟
 ب) آیا شعر مقاومت محمد عبده غانم متأثر از این عوامل شکل گرفته است؟
 جهت یافتن پاسخ مناسب به پرسش‌های مطرح شده، نگارنده تلاش کرده است تا با مطالعه‌ی اسناد کتابخانه‌ای و روش تاریخی عوامل شکل‌گیری شعر انقلاب یمن را تبیین سازد و تأثیرپذیری محمد عبده غانم از این عوامل را بررسی نماید.

پیشینه تحقیق: به نظر می‌رسد دو زمینه پیشینه می‌توان برای تحقیق حاضر ذکر کرد: نخست پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی ادبیات مقاومت یمن انجام شده است. دوم تحقیقاتی که پیرامون شعر محمد عبده غانم شکل گرفته است. در مورد زمینه‌ی نخستین باید گفت: علی‌رغم اینکه تحقیقات بسیاری در موضوع ادبیات مقاومت جهان و دیگر کشورها مثل ایران و کشورهای عربی - خصوصاً فلسطین - انجام شده است، ادبیات یمن و به طور خاص ادبیات مقاومت این سرزمین - به نظر می‌رسد - کمتر مورد توجه پژوهشگران و محققان داخل قرار گرفته است، از جمله تحقیقاتی که به طور خاص به شعر انقلاب یمن پرداخته و نگارنده از آن آگاه است، می‌توان به دو کتاب اشاره کرد: ۱- کتاب المجاهد الشهید محمد محمود الزیبری نوشته عبدالرحمن طیب الحضرمی، نویسنده در کتاب مذکور به بررسی فعالیت‌های سیاسی و ادبی زیبری پرداخته و برحه‌های زندگی وی را در دوران‌های سیاسی مختلف مورد مطالعه قرار داده است. ۲- کتاب زید الموشکی شاعراً و شهیداً اثر عبدالعزیز المقالح، نویسنده با جمع‌آوری شعر موشکی در کتاب مذکور، مقدمه‌ی نسبتاً طولانی برای آن نوشته و به

تحلیل فعالیت‌های سیاسی شاعر پرداخته است. علاوه بر آنچه ذکر شد شاید بتوان به صورت عام‌تر فعالیت‌هایی که در زمینه‌ی ادب‌پایداری در نمایشنامه‌های علی احمد باکتیر انجام شده را بخشی از پیشینه تحقیق به حساب آورد.

دوم: پژوهش‌هایی که در زمینه شعر محمد عبده غانم صورت پذیرفته است. در این مورد باید گفت: نتیجه جستجوهای نگارنده به یافتن یک پیشینه محدود می‌شود، پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی مضامین شعری محمد عبده غانم» که در دانشگاه قم توسط سودابه سحری نوشته و در ۱۳۹۰ دفاع شده است. رویکرد نویسنده در پایان‌نامه مذکور بر مبنای تحلیل اسلوب و ساختار شعری شاعر و بیان موضوعات اجتماعی و سیاسی شاعر می‌باشد. آنطور که از فهرست نمایه شده پایان‌نامه برمی‌آید، وی در فصل اول به تبیین تاریخ یمن، قبل و بعد از اسلام و تاریخ معاصر یمن پرداخته است در فصل دوم به بررسی احوال و آثار غانم و در فصل سوم به بررسی شعر سیاسی و اجتماعی شاعر نظر داشته است.

به نظر می‌رسد وجه تمایز تحقیق حاضر از تحقیقات مذکور این باشد که هیچ کدام به بررسی عوامل شکل‌گیری شعر انقلاب یمن در بازه‌ی زمانی مذکور نپرداخته و از این دیدگاه به شعر غانم توجه نداشته‌اند: بنابراین به نظر می‌رسد که جستار حاضر در حوزه‌ی خود متفاوت و متمایز باشد.

گذاری بر تاریخ معاصر یمن

یمن شمالی - پیش از اتحاد با یمن جنوبی - درگیری‌های سیاسی و نظامی بغرنجی را در خلال قرن بیستم به خود دیده است. در ربع اول قرن مذکور مقاومت یمنی‌ها در مقابل دولت عثمانی به اوج خود رسید و در نهایت به خروج عثمانیان از یمن در سال ۱۹۱۸ م. یعنی پس از جنگ جهانی اول منجر شد. در پی آن حکومت پادشاهی متوکلیان به رهبری یحیی حمیدالدین ملقب به امام شکل گرفت.

آتش جنگ یمنی - سعودی در سال ۱۹۳۴ م. شعله ور گشت و با امضای پیمان مرزی «طائف» رو به خاموشی نهاد. در همین زمان حرکت‌های معارض با حکومت امام یحیی بوجود آمد و گسترده‌تر شد تا اینکه خود را به صورت انقلاب سال ۱۹۴۸ م و قیام علیه وی نشان داد و قتل وی را از طرف انقلابیون در پی داشت. انقلابیون پس از او عبدالله وزیر را به عنوان امام قانونی یمن انتخاب کردند، اما احمد، پسر و ولی عهد یحیی پس از تنها ۲۵ روز زمام امور را از او پس گرفت. عبدالله وزیر و هم‌زمان وی کشته شدند و برخی از انقلابیون زندانی و برخی دیگر به خارج از مرزها گریختند. سپس در دهه‌ی ۵۰ م. تلاش‌های زیادی در جهت براندازی حکومت امام احمد در سال‌های ۱۹۵۵ و ۱۹۵۹ و ۱۹۶۱ میلادی صورت پذیرفت که سرانجام در قیام اخیر او مورد اصابت گلوله قرار گرفت و بعد از یک سال جدال با مرگ در بستر درگذشت. محمد بدر فرزند وی بعد از او بر تخت نشست، اما طرفداران «سازمان مجاهدین آزادی‌خواه» در همان سال و بعد از تنها چند روز قیام نمودند و او را کنار گذاشته و به حکومت سلطنتی امامیون پایان داده و نظام جمهوری را در سپتامبر سال ۱۹۶۲ م. بنیان گذاشتند. (الذیب، ۲۰۰۳: ۲۸)

از مهم‌ترین رخدادهای سیاسی که پس از تشکیل حکومت جمهوری می‌توان برای یمن برشمرد: بیرون راندن استعمار انگلیس از عدن در سال ۱۹۶۷ م. و اتحاد یمن شمالی و جنوبی در سال ۱۹۹۰ م می‌باشد.

رهیافتی به زندگی محمد عبده غانم

محمد عبده غانم، شاعر و نمایشنامه‌نویس یمنی در سال ۱۹۱۲ میلادی در عدن متولد شد. او پس از اتمام دوره‌ی دبیرستان در زادگاه خود، به سال ۱۹۳۳ وارد دانشگاه امریکایی بیروت شد. غانم بعد از اخذ مدرک لیسانس به یمن برگشته و در آموزش و پرورش به عنوان معلم دوره‌ی راهنمایی به کار مشغول شد. او -آنگونه که

خود نقل می‌کند - اولین دانشجویی بود که در منطقه‌ی جزیره‌ی العرب از دانشگاه بیروت فارغ التحصیل می‌شود. او می‌نویسد: از پایان دوره‌ی راهنمایی سرودن شعر را آغاز نمودم و در دوره‌ی دانشجویی قریحه‌ی شعری‌ام شکوفاتر شد. در دوره‌ای که معلم مدرسه بودم، چندین مرتبه در مسابقات شعر خوانی که رادیو انگلیس در سال‌های جنگ جهانی دوم برگزار می‌کرد، رتبه‌ی نخست را از آن خود می‌کردم.

غانم در سال ۱۹۶۴ برای تحصیل رهسپار لندن می‌گردد و از دانشگاه لندن مدرک دکترای خود را در رشته‌ی ادبیات اخذ می‌کند. غانم بعد از برگشت به وطن در شغل‌هایی مثل: استاد عربی دانشگاه صنعا و خارطوم، رئیس دانشکده‌ی علوم تربیتی صنعا، مدیر گروه عربی و رایزن فرهنگی یمن در امارات متحده‌ی عربی مشغول به کار می‌شود. سفرهای او به همه‌ی کشورهای عربی بجز عمان و الجزایر، همه‌ی کشورهای غرب اروپا، تایلند، سنگاپور، هونگ کونگ، فیلیپین، حبشه، کنیا، تانزانیا، کانادا، امریکا قابل ملاحظه است. وی دارای شش فرزند است، که برخی از اشعار خود را در مورد ایشان سروده است.

از جمله آثار شعری او: علی شاطیء المسحور، موج و صخر، حتی یطلع الفجر، فی موكب الحياة، فی المركبة، الموجه السادسة و دیوان مشتمل بر برخی از دفاتر شعری وی می‌باشد. سیف بن ذی یزن، الملكة أروی، عامر بن عبدالوهاب و شعر الغناء الصنعانی از جمله آثار نثری و نمایشنامه‌ای اوست. (گزیده‌ای از: الیسوعی، ۱۴۳۱: ج ۱۰۰۹/۲)

عوامل شکل‌گیری ادبیات مقاومت در یمن

ادبیات مقاومت در پی تحولات سیاسی و مقاومت‌های مردمی یک سرزمین شکل می‌گیرد و به آثاری گفته می‌شود که تحت تاثیر اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت،

غصب و غارت سرزمین‌های ملی و فردی شکل می‌گیرد؛ بنابراین جان مایه‌ی این آثار مبارزه با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی از حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است. به عبارت ساده‌تر موضوع اصلی آن دعوت به مبارزه و پایداری در برابر متجاوزین می‌باشد.

ادبیات مقاومت یمن نیز در پی عواملی همچون الهام گرفتن مردم از دعوت رهبران سیاسی به مبارزه با استبداد داخلی و استکبار خارجی و نیز موضع‌گیری در برابر اشغال فلسطین شکل گرفته است. در ادامه این عوامل مورد مطالعه قرار گرفته و به رویکرد محمد عبده غانم در قبال این حوادث اشاره می‌شود.

*الهام از افکار اندیشمندان اسلامی

پاسخ شاعران انقلابی یمن به دعوت رهبران فکری جهان اسلام را می‌توان به عنوان نخستین عامل از عوامل شکل‌گیری شعر انقلاب یمن مورد بررسی قرار داد. آشنایی انقلابیون یمن با آرا و اندیشه‌های متفکران اسلامی نقش مهمی در قیام آنان علیه استبداد و استعمار ایفا نموده است. دولت‌های اروپایی و سازمان‌های صهیونیستی و ماسونی گمان می‌کردند با فروپاشی خلافت اسلامی (امپراطوری عثمانی) دست اسلام و مسلمین از هر گونه سلاحی که آنان را حمایت کند، خالی می‌شود، اما ظهور کسانی همچون سید جمال‌الدین افغانی (اسدآبادی) امید آنان را به یأس تبدیل کرد. در هند شبلی نعمانی، در پاکستان اقبال لاهوری، در ایران نواب صفوی، در لیبی عمر مختار، در مصر محمد عبده و رشید رضا و در عراق محمدرضا شیبیبی از جمله مبارزانی بودند که پا به عرصه‌ی استعمارستیزی گذاشتند. (الحضرمی، ۲۰۰۱: ۳۲)

پیشگامان مبارزه و مقاومت در یمن متأثر از اندیشه‌های این بزرگان با سلاح نظامی در عرصه‌ی مبارزات مسلحانه و با قلم در عرصه‌ی مبارزات فرهنگی، زمینه‌ی ظهور انقلاب و حکومت جمهوری را فراهم ساختند. کسانی همچون: محمد محمود

زبیری، احمد المطاع، زید موشکی، احمد الشامی، احمد حسن الحورش، احمد محمد نعمان و ... با الهام از اندیشه‌های سیدجمال‌الدین تلاش می‌کردند با زبان شعر مردم یمن را به حفظ وحدت و اصلاح حکومت خودکامه و مقابله با استعمار دعوت نمایند.

طرح قانون برای زمامداران دولت‌های اسلامی یکی از پیشنهادات سید جمال الدین بود که انقلابیون یمن با الهام از آن «طرح میثاق» را به عنوان یک قانون، در قبل از سال ۴۸م تدوین کردند، اما با شکست انقلاب، امام احمد این قانون را ابطال کرد. زید موشکی در این باره خطاب به یحیی می‌گوید:

فناک أو نأخذ الدنيا بأيدينا أو يصيح العرش بالدستور مقرونا
(المقالح، ۱۹۸۴: ۱۹۸)

عبدالعزیز مقالح نقل می‌کند: ما اثر اندیشه‌های این بزرگان را در کتاب‌های الحورش و مطالعات ادبی عبدالله عزب در می‌یابیم، همان‌گونه که در نوشته‌های الوریث و احمد المطاع عمق این تأثیر را مشاهده می‌نماییم. (همان: ۷)

موضع‌گیری در برابر حکومت استبدادی از محورهای اساسی اندیشه‌های سیاسی سید جمال‌الدین بود. (المرعشلی، ۱۹۸۳: ۱۲۰) همان‌گونه که مجله العروة الوثقی بر سه محور اساسی اصلاح وضع داخلی ممالک اسلامی، اتحاد مسلمانان و مخالفت با انگلیس بنا شده بود. (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۵۵)

تأثیرپذیری محمد عبده غانم - همان‌طور که در ادامه خواهیم دید - از دعوت این رهبران مشهود است، شعر انقلابی او بر مبنای سه محور: دعوت به سامان دادن اوضاع اقتصادی و اجتماعی، وحدت یمنی - عربی و مبارزه با استعمار انگلیس شکل گرفته است. در همین راستا نیز غانم در نگاهی وسیع‌تر، رهبران سیاسی کشورهای اسلامی را مورد ستایش قرار می‌دهد و استقلال کشورهایشان را مرهون دعوت ایشان می‌داند. شادی او از استقلال کشورهای اسلامی همچون پاکستان، هند و سودان و

اختصاص برخی از اشعار خود به این موضوع گویای این مسئله است. او در قصیده‌ای با عنوان «منابت العز» استقلال پاکستان، این عزت و سربلندی را به مردمانش تبریک گفته و نگاه دیگر ملت‌ها را متوجه این پیروزی می‌داند. و در ادامه کوشش‌های رهبرانی امثال اقبال لاهوری و محمد علی جناح را می‌ستاید:

اليوم يومك باكستان فاغترفي من منهل بالنمير العذب سيال
 هذي الشعوب - شعوب الأرض قاطبة ترنو إليك بطرف المعجب الكالي
 شقى طريقك في ظلّ الجناح فما خابت بلاد لها من ظله والي
 زعيم شعبي - عظيم في زعامته مؤيد بالحجى و العلم و المال
 (غانم، ۱۹۸۱: ۱۱۷)

به نظر می‌رسد غانم در این قصیده به جایگاه رهبر در قیام مردم علیه باطل و دستیابی به استقلال توجه خاصی دارد. همچنان که در جهان عرب نیز مقام رهبران و فعالان سیاسی همچون جمال عبدالناصر و محمد محمود زبیری را که در جهت ایجاد وحدت و استعمارستیزی تلاش کرده، پاس می‌دارد. او در قصیده‌ای با عنوان «دمعة علی جمال» ملت را ادامه دهنده‌ی راه ایشان معرفی می‌کند و می‌گوید:

إن غاب عنا شخصه فلقد بقى المنار لنا على الدرب
 سنسير فى نور المديد له حتى الذرى حتى الى السحب
 و نكرم البطل الكبير بما يصل السماك الفرد بالقطب
 من وحدة شماء شامخة تختال من عجب و من عجب
 و بعودة الوطن السليب الى أبنائه من يعرب العُلب (همان: ۳۹۶)

به نظر می‌رسد، شخصت اقبال لاهوری و محمد محمود زبیری - که او نیز خود تحت تأثیر افکار سید جمال الدین اسدآبادی بوده است، تأثیر عمیقی در فکر و اندیشه‌ی محمد عبده غانم داشته است. موضوعاتی مثل: بازگشت به هویت عربی خویش، دعوت به وحدت اسلامی، مبارزه با استبداد داخلی و استکبار خارجی و در

همین راستا توجه به مسأله فلسطین، از جمله موضوعاتی هستند که غانم متأثر از این اندیشمندان محورهای شعر خویش را بر همین اساس بنیان نهاده است. مثلاً در بیان اهمیت وحدت کشورهای عربی معتقد است که تنها راه مبارزه با استعمار، اتحاد و همبستگی ملی و در مقیاس گسترده‌تر وحدت کشورهای عربی است:

لیس إلاّ وحدة تخسف بالأعداء وقعا لیس إلاّ ثورة تعصفهم بالحق عصفا
و تردّ الوطن المسلوب تحريراً و نزعا لیس إلاّ منهج قد جمع العرب فأوعی
(همان: ۳۹۶)

در ادامه عوامل دیگر شکل‌گیری انقلاب یمن - که خود در ضمن عامل مذکور قرار می‌گیرند - به بحث گذاشته می‌شود.

*مقابله با حکومت استبدادی آل حمیدالدین

حکومت آل حمیدالدین - همانطور که اشاره شد - در سال ۱۹۱۸م به رهبری امام یحیی شکل گرفت. تاریخ‌گویای ظلم و ستم این خاندان و سیاست بسته و خودکامگی امام یحیی در کشورداری است. او بیشتر به رئیس یک قبیله بزرگ شبیه بود که خود را مسئول هر ریز و درشتی می‌دانست. او همه‌ی یمن را خود اداره می‌کرد، حق تصرف در هر چیزی را برای خود حفظ کرده و سیاست گوشه‌گیری و انزوا از جامعه‌ی جهانی را برگزیده بود تا شاید خود را از دست‌آوردهای جدید و خواسته‌ی اصلاح‌طلبان مصون نگه‌دارد. (العقاب، ۲۰۱۰: ۲۷) عبدالعزیز مقالچ نقل می‌کند: او همچون خفاش، تاریکی را دوست داشت و از افق‌های روشن می‌هراسید. وی هر جدیدی را بسیار ناپسند می‌دانست و در برابر دست‌آوردهای عصر سرسختانه موضع‌گیری می‌کرد. سیاست او در نظام حکومتی‌اش بسیار خشک و ناپسند بود و کتاب و مجله و روزنامه از زشت‌ترین پدیده‌ها نزد وی بود. (المقالچ، ۱۹۸۴ الف: ۴۸) یحیی بر خلاف فقه زیدیه که فقاقت را جزء شروط لازم برای نصب امام می‌داند، فرزند خود احمد را که صرفاً

یک نظامی بود به ولایت عهدی خویش منصوب کرد. (العقاب، ۲۰۱۰: ۲۷) شرایط نابسامان اجتماعی، فقر و تنگ دستی مردم، مالیات سنگین و گاه نابجا، از دیگر مشکلات مردم در زمان حکومت وی بود. (الشعکه، ۱۹۸۵: ۹۵) عرصه مطبوعات نیز بسیار محدود و تنها روزنامه «الایمان» بود که به طرفداری از حکومت در سال ۱۹۳۷م. تأسیس شد و مجله‌ی «الحکمة الیمانیة» (الشامی، ۲۰۰۷: ۲۱۳) که تحت فشار عناصر روشن فکر در سال ۱۹۳۸م از امام مجوز صدور گرفت و بعد از دو سال به دلیل ترس یحیی از عکس‌العمل‌هایی که این مجله برمی‌انگیخت و شعله‌بیداری را در اعماق جامعه‌ی خاموش و بی‌خبر برمی‌افروخت، بسته شد. (المقالج، ۱۹۸۴ الف: ۴۸) عناصر انقلابی و بیدار یمن که برخی از آنها تحصیل کرده‌ی مصر بوده و با اندیشه‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی، محمدعبده، حسن البنا، اقبال لاهوری و ... آشنا بودند در مقابل خودکامگی این خاندان قیام نمودند و با زبان شعر و قلم به نشر این اندیشه‌ها پرداخته و تلاش نمودند به آن جامعه‌ی عمل بیوشانند.

حرکت انقلابیون ابتدا با نصیحت و شیوه‌ی مسالمت‌آمیز شروع شد، اما بعد از اینکه آنها از انجام اصلاحات یحیی در بدنه حکومت ناامید شدند، به تعز رفتند تا شاید ولی عهد جوان وی، احمد را به انجام خواسته‌های خویش راضی کنند. (همان: ۵۵) رفتار امام احمد نیز در دوران رهبری وی بهتر از پدر نبود؛ او بعد از شکست انقلاب ۴۸م و به‌دست گرفتن زمام امور، بسیاری از فعالان سیاسی و انقلابی را به دار آویخت و صدای آزادی و قانون‌مداری را در نطفه خاموش ساخت. (المقالج، ۱۹۸۴ ب: ۱۱)

در شعر شاعران این عصر قصایدی به صورت آشکار و پنهان، یا در قالب نصیحت چه اعتراض علیه خودکامگی این خاندان سروده شده است و وجود چنین شکاف عمیقی بین آنها و امام عجیب نبود، این اختلاف اختلافی جوهری بود که برای از بین بردن آن راهی وجود نداشت؛ زیرا امام حکومت را حق شرعی خود و خاندان خویش و ارث مقدسی می‌دانست که به هیچ وجه قابل واگذاری نبود، در حالی که

اصلاح طلبان حکومت را حق مردم و شوری را تنها وسیله رهبری ملت می‌دانستند. (الحضرمی، ۲۰۰۱: ۴۰)

در بررسی شعر غانم در می‌یابیم که شیوه‌ی مبارزاتی وی در مقابل ظلم و ستم و خودکامگی این خاندان در گام نخست به صورت مسالمت آمیز و دعوت وی به انجام اصلاحات با نرمی همراه بوده است، به عنوان مثال او در دیدار امام احمد ولی عهد یمن، خواسته‌های مردم یمن را در قصیده‌ای با عنوان «رجاء» این گونه بیان می‌کند:

مولای لایخفی علیکم أننا فی عصر علم دأبه التجدید
فابعث به الیمن الشقیق الی العلاء ینجیب عنه تأخراً و جمود
و یزول جهل الجاهلین و یمحی مرض و فقر للرجال میید
(غانم، ۱۹۸۱: ۱۱۵) ۵

در قطعه مذکور روح انعطاف پذیری و نرمی در کلام شاعر موج می‌زند، زیرا او در ابتدا امیدوار است که اصلاحات مورد نظر، بدون خشونت یا درگیری انجام پذیرد. او در ادامه این قصیده به این امیدواری خود به اصلاحات خاندان حمیدالدین اشاره می‌کند:

مولای أنتم خیر من یرجی به خیر الیدیار و یدرک المقصود
مولای حقق للبلاد رجاءها إن الرجاء بسیعکم معقود
(همان: ۱۱۶) ۶

همان‌طور که گذشت، جبهه‌گیری شاعران در بازه‌ی زمانی دهه‌ی ۴۰ تا پیش از انقلاب ۴۸ م در مقابل خاندان حمیدالدین بر مبنای نرمی و ملاحظت بوده است. محمد محمد زبیری، شاعر انقلابی یمن نیز در دوره‌ی مذکور خواسته‌های خویش را از ولی عهد جوان یمن این‌گونه با خواهش و خوشرویی درخواست می‌کند:

کن کیف شئت لنا فإن مصیرنا بییدیک و الدنیا الیک تحق
یا حامل الشعب الکبیر بقلبه الشعب فی طیات قلبک یخفق

جدد له عصر الجدد بعزمه لو مست الماضي لجائك يشرق
(زبیری، ۱۹۸۶: ۷۹۰)

این سازش همراه با صبر و نرمی شاعران در برابر ظلم و ستم حکومت تا سال‌ها قبل از ظهور انقلاب سال ۴۸ میلادی ادامه داشت و انقلابیون امید داشتند این خاندان بهبودی در اوضاع اجتماعی و اقتصادی به وجود آورند، اما این امیدواری به تدریج به یأس و ناامیدی تبدیل شده و به همراه آن موضع‌گیری شاعران تغییر کرده و به خشم و ناراحتی تبدیل شد. محمد عبده غانم نیز با تغییر رویکرد خویش و بعد از مشاهده اوضاع بد اقتصادی مردم و زندگی رقت‌بار آنان در خطابی به این خاندان می‌گوید:

أنى لك القصر المنيف الشاهق والقاع فيه بالنمارق غارق
و الخزفي خضر الستائر خافق والطيب من الق المجامر عابق
(غانم، ۱۹۸۱: ۲۳۴) ۸

بی‌تردید در پی این سوال شاعر، اندوه و نارضایتی از اوضاع موجود نهفته است. وی در این قطعه زبان تند انتقاد را می‌گشاید و بر فاصله‌ای که بین طبقه‌ی مردم بی‌نوا و ضعیف و زندگی همراه با ناز و نعمت دربار ایجاد شده، می‌تازد. او در ادامه این قصیده سؤالات انتقادی و نیش‌دار خویش را این‌گونه ادامه می‌دهد:

أفضيت يومك في الرمال الحامية والريح تزار بالسوم الكاوية
تصل الجداول بالقفار الصادية تسعي لتحفر ترعة أو ساقية
(همان: ۲۳۴) ۹

شاعر در پی این همه سؤال قصد دارد که دارایی دربار را نامشروع و غصبی اعلام کند و بگوید: خیر تو آن را نه از دست رنج خویش بلکه از طریق دادن امتیازات به استعمار و غارت کردن ثروت‌های طبیعی به‌دست آورده‌ای.

همان‌طور که در پیش از این گذشت رهبری امام یحیی و فرزند وی احمد بر مبنای

خودبینی و خودکامگی بود؛ بدین صورت که مردم را برده‌ی خویش انگاشته و تصرف در همه‌ی عرصه‌های زندگی ایشان را حق خود می‌دانستند. غانم در قصیده‌ای با عنوان «زمان الشعوب» به این نگاه متکبرانه و اربابانه این خاندان به مردم اشاره می‌کند و می‌گوید:

مشى يتبختر فوق الثرى	كأئنه خالق هذا الورى
وقد نفخ الكبر فى أنفه	فصار به وجهه منخرا
يشم الأنام به جيفة	وإن فاق عرفهم العبرا
و يبدون فى عينه كالذباب	ولو شاء أردف بل أحقرا
بقية قوم طغاة عتاة	بهم شيد الباطل المنكرا

(همان: ۱۰(۲۲۸)

زبان شاعر در قطعه‌های شعری که گذشت زبانی تند و در عین حال ساده، بی‌پیرایه و خالی از هر نوع پیچیدگی است. به نظر می‌رسد غانم اسلوب سهل را بر می‌گزیند تا با مردم به زبان خودشان سخن بگوید. همانگونه که گذشت اشعار مذکور تقریباً عاری از صور خیال است و تنها سلاحی به شمار می‌آید که شاعر با آن قصد دارد مردم را در مقابل ظلمی که به آنان می‌رود بیدار سازد و به مقابله با ظلم و ستم این خاندان تحریک نماید. او در ادامه قصیده مذکور زمان عصیانگری ستمکاران را پایان یافته دیده و معتقد است وقت آن رسیده تا ملت و مردم به انتخاب خویش حاکمان و رهبران خود را برگزینند:

تولى تولى زمان الطغاة	إلى حيث لا رجعة تشترى
وجاء الزمان بحق الشعوب	لمن رام مجدداً به أزهررا
يسود به الناس من سوّوده	و من كان منهم بهم أجدررا

(همان: ۱۱(۲۲۸)

البته گاهی زبان شعری غانم از سادگی و سهولت خارج شده و به چاشنی رمز و

نماد آراسته می‌گردد، او در قطعه‌ی شعری زیر «تاریکی» را نماد ظلم و ستم و «فجر» را رمز آزادی و رهایی به کار می‌گیرد و زوال عصر طاغوت و برگشتن حق به دامن ملت را اینگونه بیان می‌کند:

تحسرج صوت الدجى المحتضر یـردد أنفاسه الكاویة
لقد زال لیل الأذى المعتکر و أقبل صبح الصفاء النضیر
(همان: ۱۲(۲۵۰)

«نفس‌های تاریکی به شماره افتاده و در حال از بین رفتن است... شب ظلمانی و سخت از بین رفت و صبح دل انگیز و پاک روی آورد». در این قطعه شاعر تاریکی را همچون انسانی می‌پندارد که در حال احتضار است و نفس‌هایش به شمارش افتاده است.

برآیند کلی از این بخش این است که مبارزه با استبداد و خودکامگی خاندان حمیدالدین، به عنوان دومین عامل از عوامل ظهور شعر انقلاب محسوب می‌شود. ما بارقه‌های قیام غانم را بر علیه این ستم و اختصاص بخشی از شعرش را به این موضوع می‌یابیم. شیوه‌ی غانم و شاعران هم‌عصر وی در گام نخست بر مبنای سازش بوده، به این معنی که آنان در ابتدا امید داشتند تا حکومت انتظارات آنان را برآورده نماید، اما بعد از اینکه پاسخی دریافت نکردند، اشعار آنان حالت شدیدتر و کوبنده‌تری به خود گرفت و به مبارزه مسلحانه و ظهور انقلاب ۱۹۴۸ میلادی منجر شد.

*مقابله با استعمار انگلیس

هرچند سابقه‌ی حضور استعمار انگلیس در یمن و اشغال این سرزمین بسیار کهن است و به سال‌ها پیش از رسیدن آل حمیدالدین به حکومت برمی‌گردد، ولی موضع‌گیری شاعران یمن در قبال آن، در اواخر نیمه‌ی اول قرن ۲۰ شدیدتر می‌شود.

بدین معنی که توجه شاعران به موضوع استعمار ستیزی، بعد از انقلاب ۴۸ م. شکل جدی‌تر به خود می‌گیرد، گو اینکه آنان در گام نخست در پی براندازی استبداد داخلی بوده و نابودی آن را گامی به سوی بیرون راندن استعمار می‌دانستند؛ بنابراین می‌توان مبارزه با استعمار را به عنوان سومین عامل از عوامل پیدایش شعر انقلاب یمن مورد بررسی قرار داد.

سرزمین یمن از جمله مناطق مهم و استراتژیک بر روی نقشه جهان است که وجود خلیج عدن و تنگه باب المندب در این منطقه اهمیت آن را دو چندان کرده است. (کریملو، ۱۳۷۴: ۲۹) از این رو در طول تاریخ، بیگانگان پیوسته به چشم طمع بدان نگریسته‌اند. در قبل از میلاد، یمن مورد هجوم روم باستان و قبل از اسلام تحت سیطره‌ی حبشیان و ایران قرار گرفته است. (طه، ۱۹۶۱: ۱۸) در مطالعه‌ی تاریخ معاصر یمن در می‌یابیم که با نفوذ استعمار به خاورمیانه این کشور مورد توجه پرتغال (۱۴۸۷ م)، انگلیس (۱۶۰۰ م)، هلند (۱۶۰۲ م) و فرانسه و کشورهای همسایه نیز بوده است. (محمد، ۱۹۹۴: ۱۵) انگلیس به عنوان استعمارگر پیشرو، در یک اقدام نظامی در سال ۱۸۳۹ م خلیج عدن را در اشغال خود در آورد (همان) و در طول حدود یک قرن حضور خود در این منطقه دایره‌ی نفوذ خود را به سرزمین‌های اطراف گسترش داد. غانم، با مخاطب قرار دادن سرزمین خود به آغاز اشغالگری این دولت‌ها و مقاومت ملت یمن اشاره می‌کند:

یا عروس الشطّ هذا عامر ^{۱۳}	یتحدّی عنفوان البرتغال
أقبلوا فی الفلک قد ضاقت بما	حمّلوها من أسالیب القتال
عندما أقبل «هینس» ^{۱۴} سادراً	یتمطّی بالأراجیف الثقال
عندما التهمة بالسلب غدت	حجة القرصان للسلب الحلال
قد تصدینا له فاتتشرت	حوله الأشلاء فی عرض التلال

(غانم، ۱۹۸۱: ۳۵۰) ۱۵

آری اینگونه با غرق شدن یک کشتی انگلیس در سواحل عدن در سال ۱۸۳۷م مقدمات اشغال این سرزمین فراهم گشت. کاپیتان «هاینز» مأمور اخذ غرامت و خریدن خلیج عدن از والی وقت قبیله عبدلی شد و نهایتاً با مقابله وی مواجه شد. انگلیس سرانجام این خلیج را با حمله‌ی نظامی در سال ۱۸۳۹م اشغال نمود. بی‌شک اشغال عدن هدف نهایی انگلیس نبود، بلکه با تسلط بر این منطقه قصد داشت دایره‌ی تصرفات خود را گسترش دهد و نفوذ خود را بر دریای سرخ و سواحل شرقی این دریا در آفریقا بیشتر نماید. (همان) از این رو برای رسیدن به اهداف خود پیوسته در داخل قبایل و شیخ نشین‌های جنوب نفوذ می‌کرد و شعله‌ی تفرقه و درگیری را در بین آنها بر می‌افروخت. (الحضرمی، ۲۰۰۱: ۳۶)

در بررسی شعر شاعران انقلابی یمن در می‌یابیم که حضور دراز مدت استعمار انگلیس در یمن و خصوصاً خلیج عدن، یکی از عوامل مهم گرایش شاعران در دعوت ملت به استعمارستیزی بوده است. استعمارستیزی بخش عمده‌ای از شعر محمد عبده غانم را به خود اختصاص داده است. مبارزات شاعر بر علیه استعمار در دوره‌ی بعد از دهه‌ی ۵۰ م سیر صعودی به خود می‌گیرد و با انقلاب سال ۶۲ م شدیدتر می‌گردد. محمد عبده غانم از آنجا که کارمند دولت بوده و در سایه‌ی سنگین استعمار باید فعالیت ادبی و انقلابی خویش را پیش می‌برد و انگلیس نیز نسبت به فعالیت‌های سیاسی کارمندان حکومت سختگیر بود، مجبور شده تا موضعگیری خود را در قالب بیان تاریخ کهن و باشکوه یمن اظهار نماید، او در نخستین اشعار انقلابی خود، میراث باشکوه یمن را برای بیان اندیشه‌های انقلابی خویش و بیداری مردم به کار می‌گیرد و برای آگاهی بخشی ملت به حضور استعمار و واقعیت تلخ موجود، آنان را متوجه شکوه و عظمت دیرینه‌ی تمدن خود می‌کند. وی شخصیت‌هایی همچون سیف بن ذی یزن را قهرمان استعمار ستیز شعر خویش معرفی می‌کند. او در قصیده‌ی «قصه الامواج» گذشته یمن و وضعیت کنونی آن را با هم قرین می‌کند و در پایان این قصیده، خطاب

به قهرمان ملی مردم یمن و رهایی بخش این کشور از استعمار حبشی (معادل موضوعی برای استعمار انگلیس) می‌گوید (غانم، ۲۰۰۸: ۸۵)

یا سیف ذی یزن لقد ابلیت فی طلب الخلاص لهذه الاوطان
فاجلس علی عرش الجدود فإنه عرش القلوب الثابت الارکان
(همان: ۱۶۸۳)

به نظر می‌رسد شاعر با الهام گرفتن از تمدن قدیم سرزمین خود و احیای مجد و بزرگی ملت یمن در بین ملت‌ها، در صدد است تا مردم را نسبت به واقعیت تلخ حاضر خویش آگاه سازد و در مقابل استعمار تحریک نماید. او در جایی دیگر خطاب به مردم، مجد و بزرگی آنان را در گذشته متذکر می‌شود:

کلنا یدری بأن لنا ماضياً بالمجد مقترباً
کیف نرضی بعده بدلاً حاضرراً قد سامنا إحنا
کیف نرضی أن یحل بنا بعد یسر فاقه و ضنی
(همان: ۱۷۳۶۱)

مسئله‌ی وطن و میهن پرستی موضوعی است که متأثر از حضور استعمار در شعر غانم شکل می‌گیرد. محمد عبده غانم از این نکته غافل نیست که وطن نماد هویت انسان است و برای دفاع از استقلال سیاسی و فرهنگی آن باید فداکاری نمود، از این رو درمی‌یابیم که او در جای جای دیوان شعری خود سرود وطن را سر می‌دهد و برای استقلال آن آماده‌ی جانفشانی است:

دیاری دیاری یمن و من سفح صنعاء حتی عدن
(همان: ۱۸۳۷۳)

نکته‌ای که در این بیت قابل ملاحظه است، توجه شاعر به ایجاد روحیه همبستگی و اتحاد بین ملت یمن در اقصا نقاط این سرزمین است، علی‌رغم اینکه استعمار سرزمین او را به دو بخش یمن شمالی و جنوبی تقسیم کرده است، ولی او هر

دو بخش (صنعاء) پایتخت یمن شمالی و (عدن) مرکز یمن جنوبی را سرزمین خود می‌داند. این موضعی استوار در برابر شیطنت‌های استعمار است که قصد داشت برای تثبیت وجود خود در منطقه به تفرقه و ایجاد اختلاف بین مردم و قبایل مختلف یمنی دامن بزند. (القاسمی، ۱۹۹۸: ۶۷) از این رو در مقام ایجاد همبستگی بین قبایل، ندای وحدت سر می‌دهد و می‌گوید:

الأهل أهلی و البلاد بلادی یمنیة فی حاضر أو بادی
لافرق بین «عبادل» و «عواذل» و «بکیل» فی التاریخ و المیلاد
أو بین «شمسان» الأشم و صنوه «ردفان» أو «ضوران» فی الأطواد
(غانم، ۱۹۸۱: ۳۸۰) ۱۱۹۱۹

دعوت به وحدت و دفاع از هویت عربی - یمنی در مقابل استعمار از دیگر موضوعات شعری شاعر است. «دولت‌های استعمارگر با ورود به مستعمرات خویش، پیوسته هویت ملی و میهنی ملت‌ها را سلب کرده و روح تنافر و تفرقه را در بین ایشان رواج می‌دادند تا بدین وسیله نیروی ایشان را تضعیف کرده و با ایجاد روحیه‌ی خود کم بینی و ذلت، آنان را از اقدام به هر گونه قیام باز دارند». (ابوالعزم، ۲۰۱۵: ۲۱) غانم با درک این واقعیت، نگاه حقیرانه‌ی غرب به مردمان سرزمینش را اینگونه تبیین می‌کند و از زبان استعمار خطاب به عرب می‌گوید:

عازاً علی عصر الحدیث بقاءکم فوق التراب
فإذا ابتسمنا تارة لکم ابتسام الإغتصاب
فلأن فی بترو لکم غرضاً لنا عَضُ الإهاب
فلأن فی أسواقکم ربحاً یسبیل بلا حساب
(غانم، ۱۹۸۱: ۲۶۴) ۲۰

او در جایی دیگر نیز به آنان که غرب را وسیله‌ی سعادت خویش می‌پندارند می‌تازد و می‌گوید:

أین الذین تمسحوا بالغرب أعتاباً و رکناً

حتى أقول فيسمعوا ماذا يقول الغرب عنا
(همان: ۲۶۴) ۲۱

غانم در قصیده‌ی مذکور با عنوان «قالت لی الشقراء» نظر غرب را درباره‌ی مردمانش از زبان شقراء (زن خبرنگار آلمانی) اینگونه بیان می‌کند:

وتمادت الشقراء تهرف وهي تسخر من جوابي مهما تفل فالعرب ليسوا غير أجلاف ذئاب
فرشيدهم من ألف ليلة ما يزال مع الكعاب بين التمارق والوسائد والموائد والملاب
(همان: ۲۶۳) ۲۲

غانم با سرودن این اشعار در صدد است غیرت عربی مردمان سرزمین خویش و در سطحی گسترده‌تر حمیت کشورهای عرب را برانگیزد و آنان را بر علیه استعمار بشوراند.

آری حضور نامبارک استعمار و اشغال یمن اینگونه توجه شاعران یمن را به خود معطوف داشته و زمینه‌ی پیدایش شعر انقلاب را به وجود آورد. غانم معتقد است اگر کشورهای عربی، آگاه و بیدار با یکدیگر متحد می‌شدند، هرگز در هیچ جا مورد اهانت قرار نمی‌گرفتند:

لو يجمع الشعب شعب واحد يقظ ما هانت العرب في شام و لا يمن
و لا سمعنا من الأردن نائحة تبيكي من القهر في سربالها الخشن
(همان: ۲۵۲) ۲۳

دعوت به بازگشت به هویت خویش، استقلال طلبی، ستایش و بزرگی شهیدان راه مبارزه با استعمار و میهن پرستی از جمله مولفه‌های شعر غانم است که تحت تأثیر حضور استعمار شکل گرفته است.

مسئله‌ی اشغال فلسطین توسط اسرائیل نیز یکی دیگر از توطئه‌های استعمار انگلیس بود که با طرح دسیسه‌ای باعث شکل‌گیری رژیم صهیونیستی و آواره شدن فلسطینیان از سرزمین‌های خود شد. با توجه به همزمان شدن این اشغال‌گری با

انقلاب سال ۱۹۴۸ یمن شایسته‌تر دیدیم که این موضوع را در بخشی مستقل مورد بررسی قرار دهیم.

*دفاع از مسئله‌ی فلسطین

فلسطین در پایان جنگ جهانی اول تحت قیمومیت انگلیس درآمد، از آن پس این کشور دو هدف را در سرزمین فلسطین دنبال می‌کرد: اول اینکه مصالح سیاسی و اقتصادی خود در فلسطین - مانند سایر کشورهای عربی - را پیش می‌برد. دوم اینکه نسبت به صهیونیسم جهانی خود را ملزم و این سرزمین را محل مناسبی برای تشکیل رژیم صهیونیستی می‌دانست، به این معنی که با حضور خود، شرایط را برای تشکیل یک رژیم سیاسی برای یهود در فلسطین فراهم می‌کرد. از این رو بسیار حرص می‌ورزید که فلسطین مستعمره‌ی وی باقی بماند. تا اینکه سرانجام یهود توانست با این پشتیبانی و بعد از حوادث گوناگون، تشکیل (رژیم) اسرائیل را در سال ۱۹۴۸ م در تل‌آویل اعلام کند. (ابوحاقة، ۱۹۷۹: ۲۹۵)

فلسطین به عنوان آرمان شهر از دست رفته‌ی عرب، موضوع دیگری است که شاعران یمن همگام با دیگر شاعران بلاد اسلامی در مقابل اشغال آن توسط اسرائیل موضع سرسختانه‌ای گرفته‌اند و دفاع از قدس را دفاع از سرزمین خود دانسته و آن را درون‌مایه‌ی اشعار خود قرار داده‌اند؛ بنابراین می‌توان این موضوع را به عنوان یکی دیگر از عوامل شکل‌گیری شعر انقلاب در یمن که بعد از انقلاب ۱۹۴۸ م و اوایل دهه‌ی ۵۰ به دیوان شاعران راه یافت مورد بررسی قرار داد.

شاعران یمن، همه یا غالب آنها در موضوع فلسطین، مقاومت و انتفاضه شعر سروده‌اند و از بین ایشان محمد عبده غانم بیش از ۲۰ قصیده از دیوان خود را به مسئله‌ی دفاع از فلسطین اختصاص داده است: پنج قصیده از این قصاید را در دیوان حتی یطلع الفجر سروده که عبارتند از: «بالصمیل، یا إلهی، قالت لی الشقراء،

سنسیر و قبة الصخرة تنادی» و چهار قصیده را در فی موكب الحياة با عناوین: «من وحی الإسراء، القلق العظيم، عودة البطالین، وشفار الأقربین». همچنان که در قصائدی مثل: «عاش الفداء ولغة النار و الحی» در دیوان فی المركبة به موضوع فلسطین پرداخته است. اما در دیوان الموجة السادسة قصائدی مثل: «یا فلسطین، الوسام، نشید الريح، وبعد المذبحة» را می‌یابیم. در دیوان الأنامل الجافة که بعد از وفات وی چاپ شده نیز قصایدی با عناوین: «مصرع الفدائی، السجین، لأول مرة و الحجر الغالی» وجود دارد. به جز این، شاعر در ضمن بسیاری از قصاید دیگر خود به مسئله فلسطین اشاره کرده است. (غانم، ۲۰۰۸: ۳۴) همان‌گونه که گذشت، موضع شاعر در قبال مسئله اشغال فلسطین موضع سخت و شدیدی بوده است. او در قصاید مذکور اشغال‌گری اسرائیل را محکوم می‌کند و با برانگیختن غیرت عربی - اسلامی عرب‌ها، آنان را به وحدت و یکپارچگی و إحيای هویت عربی فرا می‌خواند.

در ادامه به مضمون دو قصیده از قصاید شاعر در دفتر شعری حتی یطلع الفجر اشاره می‌کنیم. غانم در قصیده‌ی «بالصمیل» به اشغال فلسطین اشاره می‌کند، اشغالی که باعث آواره شدن هزاران نفر از فلسطینیان شده است. در این قصیده، به نظر شاعر صهیونیسم چیزی از عدالت و حق محوری نمی‌داند. او توانسته با دلارهای خود زمینه‌ی غصب سرزمین‌های فلسطین را فراهم نماید. شاعر زبان منطق را برای سخن گفتن با صهیونیسم بی‌ثمر می‌داند، از این رو در پایان این قصیده می‌گوید:

فالسيف أجدى حین یص ———— ملت مرهفا عالی الصلیل
و هو السبیل الی العدا لة فی دویلة إسرئیل
«صهیون» لم تخلق لفهه ———— هم الحق إلا «بالصمیل»
(غانم، ۱۹۸۱: ۲۴(۲۵۲))

زبان غانم در قصیده‌ی دوم «یا الهی» زبان شکایت و گله‌مندی است. او با صدا زدن خدای خود اینگونه با او نجوی می‌کند: خداوندا مرا در مورد عدالت خود به تردید

مینداز، چگونه شده که صدای باطل (اسرائیل) از همه جا به گوش می‌رسد و عرب از مصیبتی به مصیبت دیگر کشانده می‌شود. غانم در قطعه دوم قصیده مذکور اینگونه ناخرسندی خود را بیان می‌دارد:

کیف ترضی یا الهی کیف ترضی ذل شعب
کیف ترضی لیدیار العر ب غصباً إثر غصب
ولأقدس فلسطین ید الرجس المکب
(غانم، ۱۹۸۱: ۲۶۱) ۲۵

شاعر در پایان این قصیده گفتار خود را زیاده روی دانسته و از خدای خویش طلب بخشش می‌کند و می‌گوید این شکایت، سوز دلی بود که درونم را آتش زده است. در پایان این بخش، برآیند کلی این است که شاعران مقاومت یمن نسبت به موضوعات منطقه‌ای و فراملی بی‌توجه نبوده‌اند و اشغال فلسطین را به عنوان یک کشور اسلامی، اشغال کشور خود می‌دانسته‌اند و صهیونیسم و انگلیس را برای خود و دیگر کشورها دشمن مشترک قلمداد کرده‌اند. محمد عبده غانم به عنوان شاعر استعمارستیز با الهام از اندیشمندان و رهبران سیاسی جهان اسلام، پیوسته به این موضوع توجه داشته و برای حل این مشکل کشورهای اسلامی و عربی را به وحدت و یکپارچگی دعوت می‌کند. وحدت، کلمه‌ای که استعمارگران از آن هراس داشتند و همان‌طور که گذشت انگلیس تمام تلاش خود را مصروف اختلاف افکنی بین کشورهای اسلامی و در یمن بین قبایل و مشیخات می‌کرد. همان‌که امروز در خاورمیانه شاهد آن هستیم و با طرح اختلافات مذهبی و شیعه و سنی بین مسلمانان جنگی تمام عیار بین مردم مظلوم یمن، عراق، سوریه، بحرین و ... به راه انداخته است.

نتیجه

از آنچه در این جستار گذشت می‌توان نتایج زیر را استنباط کرد:

۱- آغازین سالهای ظهور شعر انقلاب یمن در تاریخ معاصر این کشور، مربوط به اواخر دهه‌ی ۳۰ و اوایل دهه‌ی ۴۰ میلادی می‌شود. از مهم‌ترین عوامل پیدایش ادبیات مقاومت یمن می‌توان به چهار عامل مهم و اساسی اشاره کرد: (أ) پیروی از افکار و اندیشه‌های متفکران استعمارستیزی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی و محمد عبده و حسن البنا و اقبال لاهوری... (ب) سربرآوردن حکومت خودکامه و مستبد آل حمیدالدین که از سال ۱۹۱۸ با به دست گرفتن زمام امور توسط امام یحیی شروع شد و نهایتاً در سال ۶۲ میلادی با قتل امام احمد به پایان رسید و حکومت جمهوری یمن بنیان گردید. (ج) حضور بیش از یک سده‌ای استعمار انگلیس؛ یمن به دلیل موقعیت استراتژیک و مهم در خاورمیانه پیوسته مورد توجه ابرقدرت‌ها و استعمارگران بوده است. (د) اشغال فلسطین که همزمان با انقلاب ۴۸ یمن صورت پذیرفت و شاعران یمن نیز مانند دیگر اقطار عربی در مقابل آن موضع گرفتند. شعر انقلاب محمد عبده غانم متأثر از عوامل مذکور شکل گرفته و مضامینی همانند: استبدادستیزی، آزادی‌خواهی، دعوت به بیداری و احیای هویت عربی در مقابل استعمار و ایجاد وحدت و ... را شامل می‌شود.

۲- جدیت در موضوع از ویژگی‌های بارز شعر شاعران این دوره و شعر محمد عبده غانم - به عنوان نمونه‌ی مورد پژوهانه - است. تا پیش از این شاعران قدیم به اغراض شعری تقلیدی می‌پرداختند ولی در دوره‌ی مورد مطالعه، شاعر بیان احساسات ملت را وجه همت خود قرار داده و شعر زبان حال مردم و سلاحی در مقابل زیاده‌خواهی‌های استبداد و استعمار قرار می‌گیرد و آینه‌ای تمام‌نما که عواطف و مبارزات مردم را به تصویر می‌کشد. در بررسی شعر محمد عبده غانم مشخص شد که شعر انقلاب وی متأثر از عوامل و تحولات سیاسی شکل گرفته

است. به نظر می‌رسد گرایش شاعر در اشعار انقلابی او گرایشی واقع‌گرا بوده است؛ زیرا او در موضوع و اسلوب شعری خود زبان ساده و نزدیک به زبان مردم جامعه را بر می‌گزیند و زبان شعری او بی‌پیرایه و خالی از عنصر خیال است.

۳- مبارزات ادبی غانم در مقابل استبداد داخلی و استعمار خارجی بنا به مقتضیاتی که ذکر شد، چون دیگر شاعران به صورت آرام شکل می‌گیرد و رفته رفته همگام با تحولات سیاسی به اوج خود می‌رسد. ولی موضع‌گیری او در مقابل اشغال فلسطین ثابت و استوار است. انقلاب سال ۴۸ میلادی در یمن باعث نشد که او یا دیگر شاعران یمن از مسئله‌ی فلسطین فراموش کنند. غانم بخش عمده‌ای از شعر خود را به این موضوع اختصاص داده است.

پی‌نوشت:

- ۱- «تاج و تخت خود را (ای یحیی) یا به حکومت قانون قرین ساز، یا اینکه خود زمام حکومت را به دست گرفته و تو را نابود می‌کنیم».
- ۲- «امروز روز (سر بلندی) تو است پاکستان، از چشمه‌ی شیرین و جاری (این پیروزی) آب (حیات) بگیر. چشم ملت‌ها همه با حیرت به (این دستاورد) تو دوخته شده است. راه خود را در سایه‌ی رهبری محمد علی جناح پیش‌گیر و حرکت کن، زیرا مردمی که سایه‌ی رهبر بر سرانان گسترده شده هیچگاه ناامید نمی‌شوند. او رهبر مردمی و در رهبری خویش بزرگ است و به نیروی خرد و دانش و مال مجهز می‌باشد».
- ۳- «اگر (جمال عبدالناصر) از دیدگان غایب شد، پرچم (هدایت‌گری) او برای (ادامه دادن) راه وی برای ما باقی ماند. ما در پرتو نور (هدایت) او تا اوج بلندی‌ها، تا ابرها بالا می‌رویم. ما جایگاه این قهرمان بزرگ را چنان با وحدت خویش و بازگرداندن وطن به فرزندان پیروزمند یعرب ارج می‌نهیم که تا در بلندی به ستاره‌ی ژوبین در قطب رسد. با وحدتی بلند آوازه که در شکوه و شگفتی خویش فخر ورزد».
- ۴- «تنها یکپارچگی و وحدت است که می‌تواند دشمن را به زانو درآورد، تنها انقلابی که بر پایه‌ی حق آنان را از بین ببرد و سرزمین از دست رفته را آزاد کرده و به دامن ملت برگرداند. تنها راهی که می‌تواند عرب را به دور هم گرد آورد و بیدار سازد».

۵- «ای مولای من، بر شما پوشیده نیست که ما در زمانی زندگی می‌کنیم که عصر دانش و نوآوری است، بنابراین به وسیله علم و دانش، یمن را به بلندی‌ها و جایگاهی برسان که عقب ماندگی و جمود از آن رخت بریندد. جهل و نادانی (بدین وسیله) از بین برود و بیماری و تهیدستی ناپود کننده از بین مردان محو گردد».

۶- «ای سرور من، شما نخستین کسی هستی که می‌توان بهترین سرزمین‌ها را از وی امید داشت و به واسطه او به مقصود دست یافت. سرور من، امید (مردمان) این سرزمین را محقق ساز، چرا که (نخ) امید به (ریسمان) سعی و تلاش شما گره خورده است».

۷- «هر گونه که می‌خواهی با ما باش، سرنوشت ما به دستان توست و دنیا (چشم امید به شما) دوخته است. ای کسی که همه مردم را به محبت خویش راهنمایی، این ملت در لایه‌های قلب تو جای دارد و (با قلب تپنده‌ی تو حیات می‌گیرد). با عزم و اراده‌ی آنان بزرگی و مجد نیاکانشان را برایشان زنده گردان و اگر گذشته زمان تو را درک می‌کرد شکوه و عظمت می‌یافت».

۸- «این قصر بلند و باشکوه را از کجا و (از چه راهی) به دست آورده‌ای؟ قصری که تالارهای آن با پستی‌های زیبا و پرده‌های سبز و ابریشمین مزین گشته و بوی خوش مشک از مجمرهای پردرخشش (فضای آن را پر کرده است)».

۹- «آیا (این قصر) را از دست رنج خویش و کار در ریگزارهای داغ و در بین بادهای سوزان و سمی به دست آورده‌ای، آیا آبی به صحرای تشنه رسانده، در جهت حفر چاه آبی یا جویباری تلاش کرده و (از طریق کشاورزی این دارایی را به دست آورده‌ای؟)»

۱۰- «او به گونه‌ای با تکبر بر روی زمین راه می‌رود، گو اینکه وی آفریننده و پروردگار این مردم است. باد غرور به دماغ می‌اندازد، دماغی که صورتش به واسطه‌ی آن (در زشتی) سوراخی به نظر می‌رسد. با آن از مردم بوی مردار می‌شنود، هرچند بوی آنان از بوی مشک برتر باشد. مردم در چشم وی همچون مگسی (کوچک و ناچیز) بلکه حقیرتر و پست‌تر به نظر می‌رسند... این قوم باقیمانده‌ی آن انسان‌های ستمکار و عصیانگری هستند که باطل به وسیله‌ی آنان در بین مردم (جای کرده) و زشتی‌ها را بنا نهاده است».

۱۱- «عصر سیطره و ظلم طاغوتیان سپری شده، به طوری که بازگشت، دیگر خریداری ندارد. زمان بازگشت حق به دامن ملت فرا رسیده است کسی که به دنبال بزرگی است با این حق طلبی به شکوه می‌رسد، راهبر مردم بواسطه حق‌مداری برآنان سروری می‌کند، کسی که مردم خود او را انتخاب کرده و از خود آنان به خودشان شایسته‌تر است»

۱۲- «نفس‌های تاریکی به شماره افتاده و در حال از بین رفتن است،... شب ظلمانی و سخت از بین رفت و صبح دل انگیز و پاک روی آورد».

۱۳- عامر بن عبدالوهاب از پادشاهان بنی ظاهر در قرن ۱۵ که بر یمن حکومت می کردند. (شهاب، ۱۹۹۰: ۱۹۶)

۱۴- کاپیتان «هاینز» مأموری بود که با متهم شدن یمن در حادثه غرق شدن کشتی انگلیس در ساحل عدن، برای اخذ غرامت وارد یمن شد. (أباطة، ۲۰۰۶: ۱۳۲)

۱۵- «ای عروس شط (عدن) این عامر بن عبدالوهاب است که پرتغال، طلیعه‌ی (استعمار) را به مبارزه می طلبد. آنان با یک کشتی پر از ابزارآلات جنگی به ما روی آوردند... و نیز آن هنگام که کاپیتان «هاینز» (استعمار انگلیس) بی پروا و با سخنانی پوچ روی آورد. هنگامی که تهمت‌زنی - انگلیس مبنی بر اینکه یمنی‌ها کشتی آن را غرق کرده‌اند - بهانه‌ای شد تا این دزدان دریایی اشغال عدن را حلال شمارند، ما در مقابل آنان ایستادیم و پاسخ محکمی به ایشان دادیم، به طوری که پیکرهای مردگانشان بر روی تپه‌ها پخش شده بود».

۱۶- «ای سیف بن ذی یزن تو در رهایی وطن (از استعمار حبشیان) به خوبی از عهده‌ی کار برآمدی. بنابراین بر تخت سلطنت نیاکان خویش بنشین که این عرش، عرش قلب‌های ثابت (در میهن پرستی) و استوار است».

۱۷- «همه‌ی ما می‌دانیم که پیشینه‌ی (تمدن) ما پیوسته با مجد و بزرگی همراه بوده است؛ بنابراین چگونه بعد از آن شکوه به این حال کنونی راضی شویم که ما را خوار و ذلیل کرده‌اند، چگونه راضی شویم که پس از آن (زندگی همراه با) آسایش و رفاه، فقر و تهیدستی به جای آن بنشیند».

۱۸- «سرزمین من، سرزمین من یمن است که (مرزهای آن) از دامنه‌های (شمال) صنعاء تا (جنوب) عدن کشیده شده است».

۱۹- «همه‌ی مردم یمن همچون خانواده‌ی من و این سرزمین بسان خانه‌ی من است، و همه‌ی ما چه در شهر چه روستا یمنی هستیم. بین (قبایل) عدلی و عواذل و بکیل هیچ تفاوتی در پیشینه و جایگاه نیست. همانگونه که بین (مردمان) کوه‌های شمسارن سربلند (در شمال) و رشته کوه‌های ضوران و ردفان (در جنوب) اختلافی نیست».

۲۰- «وجود شما (ای عرب) در عصر حاضر (برای ما) مایه‌ی ننگ و عار است. پس اگر (می‌بینید) که گاه به روی شما لبخند می‌زنیم، لبخند اغتصاب است و به نفت شما نیازمندیم و بازارهای مصرفتان برای کالاهای ما سود بی‌حساب در پی دارد».

- ۲۱- «کجایند آنان که (برای آسایش خویش) دست به دامن غرب شده‌اند. (کجایند) تا به آنها بگویم و بشنوند که غرب درباره ما چه می‌گوید».
- ۲۲- «آن زن ادامه داد و در حالی که صدای خویش را بلند می‌کرد با تمسخر در پاسخ من گفت: هرچه بگویم، عرب جز انسانهای خشن و بی‌ادب چیزی نیستند، خردمند آنان پیوسته بین خوردن و خوابیدن و هم‌بستر شدن با زنان (اوقات خود را سپری می‌کند)».
- ۲۳- «اگر ملت عرب منسجم و بیدار در کنار هم قرار گیرند، هرگز در شام و نه در یمن مورد اهانت قرار نمی‌گرفتند و از ناحیه‌ی اردن صدای گریه‌ی زنی را با لباس نامطلوب و حالت اندوه و غصه نمی‌شنیدیم».
- ۲۴- «شمشیر آخته و برنده (برای سخن گفتن با آنان) شایسته‌تر است. این تنها راه عدالت‌محوری درباره‌ی دولت کوچک اسرائیل است، صهیونیسم را تنها با ضربه‌ی عصا می‌توان (مجبور به) درک حق و حقیقت نمود».
- ۲۵- «چگونه؟! چگونه خدای من به خوار شدن مردمی راضی می‌شوی؟ چگونه راضی می‌شوی که سرزمین‌های عرب یکی پس از دیگری غصب شود؟ چگونه راضی می‌شوی که دستی کثیف بر مقدسات فلسطین و قدس سیطره یابد».

منابع

- أباطة، فاروق عثمان. (۲۰۰۶). عدن و السياسة البريطانية في البحر الأحمر. القاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- ابوالعزم، طلعت عبدالعزيز. (۲۰۱۵). أدب ما بعد الإستعمار و نظريته النقدية. مصر: الجيزة، عين للدراسات و البحوث الإنسانية و الإجتماعية.
- أبو حاققة، أحمد. (۱۹۷۹). الإلتزام في الشعر العربي. بيروت: دارالعلم للملایین.
- الحضرمی، عبدالرحمن طیب بککر. (۲۰۰۱). المجاهد الشهيد محمد محمود الزیبری. صنعاء: مكتبة الإرشاد.
- الخدوری، مجید. (۱۳۵۹). تجدید حیات سیاسی اسلام. ترجمه: حمید احمدی. تهران: نشر الهام.
- رجائی، نجمه. (۱۳۸۲). شعر و شرر (تحلیل شعر انقلاب در ادبیات عرب). مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

- الزیبری، محمد محمود. (۱۹۸۶). دیوان الزیبری. بیروت: دارالعودة.
- الذیب، حزام عبدالله. (۲۰۰۳). الحرية السياسية فى اليمن. صنعاء: عالم الكتب اليمنية.
- الشامى، احمد محمد. (۲۰۰۷). قصة الأدب فى اليمن. صنعاء: مكتبة الإرشاد.
- الشعكه، مصطفى. (۱۹۸۵). مغامرات مصرى فى مجاهل اليمن و وثيقتان. بیروت: دار العودة.
- شهاب. حسن صالح. (۱۹۹۰). عدن فرضة اليمن. صنعاء: مركز الدراسات و البحوث اليمنى.
- طباطبایى، محمد محیط. (۱۳۷۰). سيد جمال الدين اسدآبادى و بيدارى مشرق زمين. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامى.
- طه، جاد. (۱۹۶۱). سياسة بريطانيا فى جنوب الجزيرة العربية. القاهرة: دارالفكر العربى.
- القاسمى، خالد بن محمد. (۱۹۹۸). الوحدة اليمنية كفاح شعب و وطن. دمشق: دار جيل.
- عثمان، هدى محمد عبده. (۲۰۰۷). التنافس الاستعمارى بين بريطانيا و إيطاليا فى منطقتى العالم العربى و شرق إفريقيا ۱۹۴۵-۱۹۳۵م. بیروت: الدار العربية للموسوعات.
- العقاب، عبدالوهاب آدم. (۲۰۱۰). الوحدة اليمنية. دمشق: داررسلان.
- غانم، محمد عبده. (۱۹۸۱). ديوان محمد عبده غانم. بیروت: دار العودة.
- غانم، شهاب. (۲۰۰۸). فى واحة الأدب. أبوظبى: وزارة الثقافة و الشباب و تنمية المجتمع.
- كرىلمو، داوود. (۱۳۷۴). جمهورى يمن. تهران: انتشارات وزارت خارجه، مباحث كشورها و سازمانهاى بين المللى.
- محمد، أمال ابراهيم. (۱۹۹۴). الصراع الدولى حول البحر الأحمر فى النصف الثانى من القرن التاسع عشر. صنعاء: مركز الدراسات و البحوث اليمنى.
- المرعشلى، هانى عبدالوهاب. (۱۹۸۳). التجديد فى الفكر الاسلامى المعاصر، جمال الدين الأفغانى و قضايا المجتمع الاسلامى. إسكندرية: دار المعرفة الجامعية.
- المقالح، عبدالعزيز و ديكران. (۱۹۸۴ الف). زيد الموشكى شاعراً و شهيداً. بیروت: دار الآداب.
- المقالح، عبدالعزيز. (۱۹۸۴ ب). أوليات النقد الأدبى فى اليمن. بیروت: دار الآداب.
- ---- (۱۹۸۴ ج). قراءة فى أدب اليمن المعاصر. بیروت: دار العودة.
- ناجى، هلال. (۲۰۰۹). شعراء اليمن المعاصرون. بیروت: مؤسسة المعارف للطباعة و النشر.
- اليسوعى، الأب روبرت ب. كامبل. (۱۴۳۱). أعلام الأدب العربى المعاصر سير و سير ذاتية. قم: ذوى القربى.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Abstract**Pictorial Irony in the Political
Poem of Badr Shaker Sayab**

Mojtaba Behroozi*
Hoseyn Abavisani**
Seyyed Adnan eshkevari***
Hooman Nazemian****

Irony is a technique based on the contradiction among two mutual pictures from contemporary conditions or among heritage data and some contemporary situations. By exploiting such a strategy, the poet uses the irony speaking to mention his internal ideas, and by creating a relation among present unconfirmity in a elegy, it establishes the unagreement between present conditions and future good situation. Based on this, the Irony is considered as one of the basic themes of political and social poem of Siab, through which criticize indirectly the society challenges, often by calling literal, historical, religious and national heritage and providing the contemporary and contradictional implications, he opens a space in his poem that places the golden past of Arabs versus the contemporary conditions of Arabs society, specially Iraq. Sayyab selects this strategy to fight the cruelty of bosses and political Iraq and encouraging to combat against colonization. The present study evaluate the different kinds of Irony in the political and social poem of Sayyab by a descriptive method.

Keywords: Badr Shaker Sayyab, Irony, Social and Political poem, Heritage.

* Assistant professor, Department of Arabic language and literature, Zabol University

** Associate professor, Department of Arabic language and literature, Kharazmi University, Tehran.

*** Assistant professor, Department of Arabic language and literature, Kharazmi University, Tehran.

**** Assistant professor, Department of Arabic language and literature, Kharazmi University, Tehran.

Abstract

Investigation and analysis of Sura - Al-Enfatar, relying on Structuralism theory

Mina Jigare *
Zahra Sadeghi**

Structuralism is like a philosophy and a religion of thought and a means to study the arena of politeness. And its foundation is based on a general insight or systematic set. And in order to examine the structure of the subject, we must observe the general view, Therefore, the structuralist style does not only include events and words but also includes the relation between that event and the vocabulary, And structuralism is a descriptive style that does not directly address content, but also emphasizes the structure of content and components and the construction of the fittest of the text, despite its differences and harmony in which it exists. Literary constructivists have a meaning in the quality, not self-meaning, they talk about the word itself and reject the critical style of imitation. The Qur'an is the divine book based on a subtle structure that is not void of relevance, proportionality and balance. And the content of this research is based on two bases: separation and composition in the understanding of Surah al-Enfatar, because the text of the Quran has a specific and precise structure that God has revealed, which is a sign of its meaning and content. In order to investigate the structure of the Surah al-Enfatar, we must analyze it as its constituent parts, and examine it in terms of content and its components and its components in a thematic manner without the involvement of any particular thought and belief.

The purpose of this article is to discover the technical structuralism in Surah al-Enfatar and how to perform the duties of aesthetics, given the importance and impact of the structuralism of this surah in the audience.

Keywords: Noble Qur'an, Surah al-Enfatar, Structuralism of letters, structure

* Assistant Professor Department of Arabic Literature in University of Alzzahra. Tehran.

** Master of Department of Arabic Literature University of Alzzahra.

Abstract**Literary Metacriticism
in the Works of Seyyed Mortazda**

Ali Saberi*

Muhammad Amin Taghavi Fardood**

The present article, studies Seyyed Mortadza's metacritical theories by examining his works as well as the works of literary writers who have studied Seyyed Mortadza's literary and critical theories. studying his works indicates that his three works *Omalley*, *Al-Shahab* and *tayf Alkhyal* enjoys the most literary critical theories, and we tried to find out what different perspectives Seyyed Mortadza had in comparison to his contemporaries and predecessors? And what steps has he taken in the development of literary metacritical thoughts? In a process of cross-sectional study we also found that he has promoted his critical knowledge by clarifying some critical theories prevalent in his time and also by utilizing some theories of literary critical theorists such as "Jahez", "Ibn Qtybh", "Amudi" and etcetera. In addition to considering some critical theories of his time, he has also judged about critical methods of equilibrium and differentiation by the means of his knowledge in different fields of theology, jurisprudence, interpretation, etc. He has theorized about critical thoughts in the process of his studying literary works and has offered new critical methods in criticizing literary works.

Keywords: literary criticism, metacriticism, Seyyed Mortadza, Amaali

* Associate Professor Department of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University of Tehran, Central Branch, dr_saberi_43@yahoo.com

** PhD Department of Arabic language and literature, Islamic Azad University of Tehran, Central Branch, Assistant Professor in Arabic language in Imam Sadique University, Tehran, dr.ma.tf@gmail.com

Abstract**The investigation in to the aspects of identity crisis in the poems of Adnan Al-Sayegh**

Hamed Sedghi*
 Soghra Falahati**
 Seyed Adnan Eshkewari***
 Sabri Jalilian****

The identity is the more important pillar of the human personality or the answer to this question: "who is the man" The political, social and cultural factors threatened the identity in the present world. And emerged in literary effects and in especially in the poems of contemporary poets. The political and social crisis conditions in Iraq cause emergence identity crisis in the contemporary literature of this country. Adnan –Al-Sayegh – the Iraqi contemporary poet is a part of this literature. He reflects the various aspects of identity crisis in this poem. Our purpose in this article is the investigation in to the aspects of identity crisis in the poems of this Iraqi immigrant poet.

Keywords: identity, contemporary poets, immigrant, Iraq.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

* Professor Department of Arabic literature ,University of Khurazmi, Tehran
 ** Assistant professor-Department of Arabic literature in ,University of Khurazmi, Tehran
 *** Assistant professor Department of Arabic literature in ,University of Khurazmi, Tehran
 **** Phd Student of Department of Arabic literature in, University of Khurazmi , Tehran

Abstract**Relations and functions of power in AjnehateAlfarashat by Mohammad Salmavi (on the basis of J. Grema's Active pattern and Michel Foucault's discourse.)**

Kheyriyeh Echresh*
 Hasan Dadkhah tehrani**
 Sadegh Sayyahi***
 Ali Edalati Nasab****

Critical Discourse analysis is a new definition of discourse analysis its an important branch of discourse analysis. This approach emphasizes the need for a more comprehensive analysis of discourse Among the interesting aspects of critical discourse are producing or strengthening an ideology, understanding texts in their wider context, and using pragmatic and scientific approach to the text analysis. because analysis of new contexts especially novel have an important role in cultural and social evolution in contemporary world, analysis of contexts in this basic is necessary in contemporary literature. This study codified on the basis of validity discourse analysis, active pattern, Grema's semantic square, and Michel Foucault's discourse analysis theory of power. So on the basis of Grema's active pattern, the structure of the novel and the relationship between the structure and content investigated. Then changeability in the novel process and its semantic square codified. The results showed that the researcher has stated the changeability in the novel on the basis of exact structure and a plot in different ways and the work of activists has been defined as for the aims specified. In this study, the researcher considered the power relations, power and people, and the relationship between them, the role of power in the sexuality problem and its control. The researcher also arise against the Egyptian governor with the critical content and defended women and their gender by condemning the authority view of sexuality problem.

Keywords: Discourse, Validity Discourse, Grema, Michel Foucault, Ajnahatulfarashat, Mohammad Salmavi.

* Assistant professor Department of Arabic language and literature, Shahid Chamran University, Ahwaz

** Professor Department of Arabic language and literature, Shahid Chamran University, Ahwaz

*** Assistant professor in Arabic language and literature, Shahid Chamran University, Ahwaz

**** phd Department of Arabic language and literature, Shahid Chamran University, Ahwaz

Abstract**postcolonial reading experience of immigration in novel
"Fingers of Lolita" of Waciny al-aaraj From the
perspective of Homi Bhabha**

Seyyed Hasan Fatehi Nejad*
Faramarz Mirzaei**
Bibi Rahil seNsebli***

Immigration is one of the most important issues of postcolonial criticism and the novel *Fingers of Lolita* of Waciny al-aaraj, the Algerian contemporary novelist, including novels pay issue migration from East to West. This study is mentioned evaluate migration in the abovementioned novel from the perspective of Homi Bhabha- theorists this critique. Homi Bhabha Knows immigrants in connection with the memories and identity change approach and collision of subject and the other. The main issue of this study is investigate the expression of components in this novel and in this regard, used descriptive and analytical methods. The results show that immigrant characters in this novel, despite differences in reliance on memories, remember the time and place of the past through issues such as: Current clues, objects, guestbook Algeria, places, remarks persons. And living in the third space, have been hybridity identity. And this affair has appeared in component such as language, religion, nationality, religion and the name. And because of the direct relationship between the "subject" (colonial) and "other" (colonized), despite the effort of "other" for, swoop of distance, also in the "other" place. There have been othering by emphasizing differences, plural pronouns absent, media, representation of stereotypes, racism, relying on the past.

Keywords: Immigration, *Fingers of Lolita*, Waciny al-aaraj, Homi Bhabha.

* Assistant professor Department of Arabic language and literature, University of BOAli Sina, Hamedan

** Professor Department of Arabic Language and Literature, University of Tarbiat Modarres, Tehran

*** Phd student Department of Arabic language and literature, University of BOAli Sina, Hamedan

Abstract**A study of development of Yemen's revolution poem (1948-1962) A case study of Mohamad Abdeh Qanem****Mostafa Mahdavi Ara ***

Socially and politically speaking, the Yemen's revolution in 1948 and 1962 and the presence of British Colonialism in Gulf of Aden for more than one century resulted in fundamental evolutions in this country so that its reflection would be investigable in Yemen's poem and literature. After these events till the Presidential government, Colonialism exit and Northern and Southern Yemen's unification, Yemen's stability poem underwent enormous evolutions conceptually. This work aims to study Yemen's stability poem, the reasons of this literature formation and its components under the analytical-descriptive approach. This study is the case study of Mohamad Abdeh Qanem. Both the neglect of this issue from the researcher's point of view and, probably, the current conditions of this country would clarify the necessity of such studies. The results show that Yemen's stability poem has been constructed under the influence of thinkers' thoughts such as Seyed Jamal Aldin Asadabadi, Mohammad Abdeh and so on. Moreover, the 1948 and 1962 revolution, the formation of Yemen's Presidential government, colonialism exit and the Northern and Southern Yemen's unification in 1990 can be considered as its consequence.

Keywords: Yemen, revolution poem, Formation reasons, Mohamad Abdeh Qanem

* Assistant professor, Department of Arabic language and literature, Hakim Sabzevari University.
m.mahdavi@hsu.ac.ir

s

المُلخَص

المفارقة التصويرية في الشعر السياسي والاجتماعي لبدر شاكر السياب

مجتنى بهروزى *

حسين ابوسانى **

سيد عدنان اشكورى ***

هومن ناظميان ****

المفارقة التصويرية تقنية تقوم على إبراز التناقض بين وضعين متقابلين من الواقع المعاصر أو بين بعض المعطيات التراثية وبعض الأحوال المعاصرة، بينهما نوعٌ من التناقض والشاعر بتوظيفها يلجأ بعض الأحيان إلى الغموض في الإفصاح عن أحاسيسه. فبيتٌ عدم الانسجام بين الأوضاع الحالية والوضع المثالي المطلوب من خلال خلق ارتباطٍ موحٍ بين المفارقات الموجودة في القصيدة؛ لهذا تعدّ المفارقة التصويرية من أهمّ الآليات المستعملة في الشعر السياسي والاجتماعي عند السياب التي يوظفها وينقد من خلالها تحديات المجتمع بصورة ذكية وغير مباشرة. إنه يفسح في أكثر الأحيان فضاءً للمقارنة بين الماضي الذهبي والأوضاع المعاصرة في المجتمع العربي بشكل عامّ والمجتمع العراقي بشكل خاص وذلك باستدعاء التراث الأدبي والتاريخي والديني والقومي وتحوير الدلالات التراثية المستدعاة بدلالات معاصرة تتناقض معها ونظرةً لغزارة الموضوع وفساحة البحث والتحوير في المفارقة التصويرية ذات المعطيات التراثية، قد وظف السياب هذا النوع أكثر من غيرها وقد استفاد السياب هذا العنصر الفني واختاره لمواجهة ظلم الحكّام والكبت السياسي وللاستهزاء بالتخلف السائد في المجتمعات العربية في محاولة منه لتوعية الشعوب وحثّها على مواجهة المستعمرين وقد جاءت هذه الدراسة في منهجها الوصفي التحليلي لتبيّن مواضع المفارقة التصويرية وأنواعها في الشعر السياسي والاجتماعي عند السياب.

الكلمات المفتاحية: بدر شاكر السياب، المفارقة التصويرية، الشعر السياسي والاجتماعي، التراث

mojtatabehrooz@uoz.ac.ir

* أستاذ مشارك في اللغة العربية وآدابها بجامعة زابل، (الكاتب المسؤل)

** أستاذ مشارك في اللغة العربية وآدابها بجامعة خوارزمي

*** أستاذ مساعد في اللغة العربية وآدابها بجامعة خوارزمي

**** أستاذ مساعد في اللغة العربية وآدابها بجامعة خوارزمي

الملخص

دراسة و تحليل فى سورة الانفطار وفقاً لنظرية النبوية

مريم جىكاره*

زهرا صادقى**

ظهرت النبوية كمنهج ومذهب فكري وأداة للتحليل، تقوم على فكرة الكلية أو المجموع المنتظم ودراسة بنية الموضوع لابد من مراعاة النظرة الكلية إلى الموضوع، فما يهتم المنهج النبوي ليس الأحداث ولا الكلمات بمفردها ولكن العلاقة التي تقوم بين تلك الأحداث أو الكلمات، والنبوية منهج وصفي لا يهتم بالمضمون المباشر، بل يركز على شكل المضمون وعناصره وبناءه التي تشكل نسقية النص في اختلافاته وتآلفاته. يهتم أصحاب النبوية الأدبية بكيفية إنتاج المعنى لا بالمعنى نفسه ويتحدثون عن اللغة عن ذاتها ويهاجمون المناهج النقدية التقليدية. قد استطاع كتاب الله بواسطة النبوية الفتية أن ينفذ في قلوب الناس ولذلك يكون الاهتمام الخاص بالنبوية في القرآن لأثرها في التأكيد واستقرار الافكار الالهية في نفوس من يتوجه إليه هذا الكتاب العظيم. إن القرآن هو كتاب الله المسطور يقوم على بنية دقيقة لا تخلو من محور وتناظر وتوازن ويستند جوهر هذا البحث إلى خطوتين أساسيتين هما: التفكيك و التركيب في فهم سورة الانفطار، لأن للنص القرآني بنية خاصة دقيقة نصيها الله سبحانه لتكون شاهدة على المعنى ودالة عليه ودراسة بنية سورة الانفطار يجب علينا أن نحللها إلى عناصرها المؤلفة منها ونوضعها بحبيباتها وتفصيلها وعناصرها بشكل موضوعي، من غير تدخل فكره أو عقيدته الخاصة في هذا. فالهدف من هذا المقال هو الكشف عن النبوية الفنية الموجودة في سورة الانفطار وكيفية أدائها لوظائفها الجمالية نظراً إلى أهميتها ومدى تأثيرها في المخاطب.

الكلمات المفتاحية: القرآن الكريم، سورة الانفطار، بنوية الحروف، بنوية التراكيب، بنوية الدلالة.

الملخص

ما وراء النقد في آثار السيد مرتضى

علي صابري*

محمد امين تقوى فردود**

يتناول هذا المقال آثار السيد مرتضى إضافة إلى مؤلفات من قام بدراسة أفكاره الأدبية وآرائه النقدية ليدرس في ضوءها ما أبدع السيد في قواعد النقد العربي و مناهجه العلمية وما ابتكر في ما وراء النقد؛ فمن يدقق النظر في مؤلفات السيد وأفكاره النقدية يجد أن آثاره التي تتضمن أكثر آرائه النقدية هي كتبه الثلاثة: «الأمالي» و«الشهاب» و«طيف الخيال»؛ فهذا هو الذي دعانا أن نحاول الكشف فيها عن: «ما هي تلك الآراء النقدية التي تختص بالسيد دون غيره ممن سبقه، أو عاصره من النقاد؟ وما هي الخطوات الواسعة التي خطاها هو في تطور ما وراء النقد؟ ففي عملية هذا البحث العلمي بدا لنا أنه بدأ أولاً بتزويده بأصول النقد ومبانيه دارساً آراء النقاد القدماء كـ«الجاحظ» و«ابن قتيبة» و«الأمدي» وغيرهم من كبار النقاد، فاستطاع إثر ذلك أن يقوم بالحكم على مناهج النقد الأدبي والمقارنه بين أساليب النقد في دراساتهم النقدية، كما قام بدراسة النظريات النقدية، باستخدامه ما له من معلومات في العلوم الأخرى كالفقه والتفسير وغيرهما ومن ثم قام بالتنظير في النقد و مناهجه ليقدّم منهجاً جديداً وقواعد مبتكرة في حقل الدراسات النقدية.

الكلمات المفتاحية: النقد الأدبي، ما وراء النقد، السيد مرتضى، الأمالي.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* أستاذ مشارك في اللغة العربية وآدابها بجامعة آزاد الإسلامية، فرع طهران المركزية، إيران.

** دكتوراه، قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة آزاد الإسلامية، فرع طهران المركزية، إيران: (الكاتب المسئول)

الملخص

دراسة في جوانب متعددة لأزمة الهوية في شعر عدنان الصائغ

حامد صدقي*

صغرى فلاحتي**

سيد عدنان اشكوري***

صبرى جليليان****

إنّ «الهوية» تعدّ من أهم أركان شخصية الإنسان وتلقيه عن نفسه أو إجابته عن هذا السؤال: «من هو الإنسان» في عالمنا المعاصر. لقد تأزمت هوية الإنسان في العالم المعاصر بسبب العوامل السياسية والاجتماعية والثقافية الكثيرة التي تهدّدها وقد تجلّت أزمة الإنسان في شتى الآثار الأدبية وخاصة في شعر الشعراء. فقد أدت الظروف السياسية والاجتماعية المتأزمة في العراق خلال العقود الأخيرة إلى ظهور أزمة الهوية في الأدب العراقي المعاصر. لقد عاش الشاعر المعاصر عدنان الصائغ (ولد ١٩٥٥م) هذه الظروف المتأزمة وتجلّت أمارات أزمة الهوية في شعره بزواياها المختلفة من الفردية والوطنية وتعدّد حياة الشاعر في العراق والظروف السياسية لهذا البلد ونفيه عن العراق من أهم الأسباب لظهور أزمة الهوية في شعره والهدف من هذا المقال دراسة وجوه هذه الأزمة في شعر عدنان الصائغ بمنهج وصفي تحليلي.

الكلمات المفتاحية: أزمة الهوية، الشعر العراقي المعاصر، عدنان الصائغ

* أستاذ قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة الخوارزمي
 ** أستاذ مساعد في اللغة العربية وآدابها بجامعة الخوارزمي
 *** أستاذ مساعد في اللغة العربية و آدابها بجامعة الخوارزمي
 **** طالبة الدكتوراة في فروع اللغة العربية و آدابها بجامعة الخوارزمي

الملخص

**السلطة؛ فعاليتها وعلاقتها في رواية «أجنحة الفراشة» لمحمد سلماوى
(دراسة في ضوء نظرية عمل غريماس و نظرية تحليل خطاب ميشيل فوكو)**

خبريه عجرش *

حسن دادخواه تهراني **

صادق سياحي ***

علي عدالتى نسب ****

« تحليل الخطاب » منهج متعدد التخصصات فى العلوم الإنسانية والعلوم الاجتماعية حيث تدرس اللغة باعتبارها وعاء الإنتاج الفكرى والأدبى والسياسى والإنسانى. و قد يربطه البعض بالنص، ويربطه البعض الآخر بالمفهوم وهناك من يميزه عن اللغة التى تشكل نظاما لمجموعة من القيم المفترضة، وهو بذلك استخدام اللغة ضمن سياق خاص. بما أن تحليل النصوص الحديثة خاصة الرواية، لها دور هام فى التغييرات الثقافية والاجتماعية، يعد تحليل النصوص والخطاب من أهم ضروريات الأدب المعاصر. يستند هذا البحث في تحليله إلى نظرية عمل غريماس و مربعه الدلالي كما يعالج مصطلح السلطة في النص على اساس نظرية ميشيل فوكو في تحليل الخطاب. من هذه الجهة، تمّ أولاً معالجة النص وهيكليته و علاقة هيكل النص و عناصره بالمحتوى كما تبين المربع الدلالي في النص وفقاً لنظرية غريماس ثم اشير إلى ملفوظ هام في الرواية أى السلطة وعلاقتها بالنص واحداث الرواية استناداً إلى نظرية فوكو. تشير النتائج بأن الروائي عبّر عن مدى تطور الاحداث في حبكة دقيقة وهيكلية أنيقة وبأشكال متنوعة حيث نرى علاقة مستحكمة بين الاحداث والاشخاص كما نرى مدى فاعلية الفاعلين وفقاً لأهدافهم المنشودة. من ناحية أخرى نرى الروائي يلمح إلى علاقات السلطة والناس في الرواية وكيفية معاملتها مع الآخر ويشير بأن السلطة تسيء في معاملتها مع الناس ويستخدم الجنس كوسيلة للوصول إلى أهدافها كما يدين سياسيات الحكم في هاتين القضيتين.

الكلمات المفتاحية: الخطاب؛ الخطاب الروائي، غريماس، ميشيل فوكو، «أجنحة الفراشة»، محمد سلماوى

* استاذہ مساعده في فرع اللغة العربية و آدابها بجامعة الشهيد چمران اهواز.

** استاذ في فرع اللغة العربية و آدابها بجامعة الشهيد چمران اهواز.

*** استاذ مساعده في فرع اللغة العربية و آدابها بجامعة الشهيد چمران اهواز.

**** دكتورا في فرع اللغة العربية و آدابها بجامعة الشهيد چمران اهواز.

الملخص

قراءة ما بعد الاستعمارية من تجربه المهاجرة في رواية «اصابع لوليتا» لواسيني الاعرج، من وجهة نظر هومي بهابها

سيد حسن فاتحي نژاد*

فرامرز ميرزايي**

بي بي راحيل سن سيلبي***

تعدُّ الهجرة من أهمِّ القضايا في دراسات ما بعد الاستعمارية و رواية «أصابع لوليتا» لواسيني الأعرج قد عالجت هذه الموضوع وتطوّقت إلى قضيتة الهجرة من الشرق إلى الغرب. تهدف هذه الدراسة إلى مناقشة هذه الرواية وفقاً لنظرية هومي بابا و هو يُعدُّ من أهمِّ المنظرين للدراسات ما بعد الاستعمارية. يرى هومي بابا أنَّ المهاجر من وطنه يعيش ذكريات الماضي في حين أنَّ هويته تتغيّر عبر الثقافة بين «الأنا» و «الأخر». و قد ناقش المؤلفون هذه الظاهرة و إستعانوا بالمنهج الوصفي التحليلي و النتائج تدلّ على أنَّ الشخصيات المهاجرة في هذه الرواية على الرغم من الإختلاف في إعتمادها على الذكريات أنَّهم يشتركون في تذكّر الزمان و المكان الماضين من خلال أمور كالقرانن الحالية، الأشياء التذكارية، الأمكنة، أقوال الشخصيات و الأمور الطبيعية و العيش في الفضاء الثالث جعلهم يكسبون هوية هجينة. و هذا الأمر يبدو في لغتهم و دينهم و الجنسية الحديثة التي اكتسبوها و كذلك أسماؤهم و كل هذا يحدث بسبب العلاقة المباشرة بين الأنا و الآخر و بالرغم من سعي الآخر لازالة الفواصل الا أنه يبقى في مقام الآخر و هذا يحدث عبر التاكيد على الإختلاف و استخدام ضمائر الجمع الغائب و إعادة الصور النمطية و الإشارة إلى العنصرية و الإعتماذ على الماضي.

الكلمات المفتاحية: تجربة المهاجرة، أصابع لوليتا، واسيني الأعرج، هومي بهابها

Shfatehi43@gmail.com

* استاذ مساعد في اللغة العربية و أدائها بجامعة بو علي سينا همدان.

** استاذ في اللغة العربية و أدائها بجامعة بو علي سينا همدان.

*** طالبة الدكتوراة في اللغة العربية و أدائها بجامعة بو علي سينا همدان.

الملخص

شعر الثورة اليمني: دراسة أسباب نشأته (١٩٤٠ إلى ١٩٦٠ للميلاد)

شعر محمد عبده غانم نموذجاً

مصطفى مهدوي آرا*

إن سيطرة المستعمر البريطاني على عدن وبالتالي اندلاع ثورتي ١٩٤٨ و ١٩٦٢ للميلاد أحدثت تطورات سياسية واجتماعية كبرى على صعيد المجتمع اليمني. فيمكننا تتبع صداها في ساحة الأدب و الشعر. فتعرض شعر الثورة للتطورات عميقة مضموناً، إنطلاقاً من هذه الأحداث مروراً بإعلان الجمهورية وانتهاءً بوحدة شطري اليمن الشمالي و الجنوبي وتهدف هذه الدراسة الكشف عن أسباب ظهور الشعر الثوري لليمن، بناءً في خطتها على المنهج الوصفي-التحليلي متخذاً شعر محمد عبده غانم نموذجاً للبحث. ما دفعنا على إنجاز هذا البحث هو عدم عناية الباحثين به وغفلتهم عنه والأوضاع الراهنة المريرة في اليمن زادت إكمال المقال أهمية وتدلتنا نتائج البحث على أن شعر المقاومة اليمنية قد نشأ في ظل مؤثرات كثيرة: منها استلهاهم الشعراء من دعوة المفكرين والقادة السياسيين أمثال سيد جمال الدين الأسدآبادي و محمد عبده وإقبال اللاهوري و... دعوتهم إلى النضال أولاً وبالتالي التأثير بالصراع مع تعسف الحكم الإمامي والإستعمار البريطاني واتخاذ الموضع الحاسم تجاه احتلال الإستعمار الاستيطاني الصهيوني بشأن فلسطين ونرى أن هذا النضال قد أثمر وأتى أكله في صورة ثورتي سنة ١٩٤٨ و ١٩٦٢ للميلاد، كما أدى إلى طرد المستعمر البريطاني من عدن وبزوغ روح التعاون والتحالف بين أبناء اليمن الجنوبية والشمالية.

الكلمات المفتاحية: اليمن، شعر الثورة، أسباب ظهور، محمد عبده غانم.